

روش‌شناسی حل موارد متناقض نما در قرآن و کتاب مقدس و میزان موفقیت آن

احسان نظری^۱

محمد میرزایی^۲

چکیده

اسلام و مسیحیت هریک، کتاب مقدس خود را در اوج و مملو از نکات بدیع می‌دانند که بشر را به نجات و سعادت رهنمون می‌سازد، مسلمانان قرآن را نازل شده از جانب خداوند و مسیحیان کتاب مقدس خود را مؤید به تأییدات روح القدس و از القائنات او می‌دانند. اما در خصوص هر دو کتاب، ادعای وجود تناقض شده است و مدافعان هر دو دین، درصدد ارائه پاسخ‌ها و راه حل‌هایی جهت رفع تناقض‌های ظاهری میان آیات آن، برآمده‌اند. علی‌رغم نقادی‌های فراوان نسبت به کتاب مقدس، دیدگاه رسمی کلیسای کاتولیک هم‌چنان بر اعتبار محتوای این کتاب و بی‌خطا بودن آن استوار است. هدف این مقاله روش‌شناسی حل موارد متناقض نما در این دو کتاب و بررسی میزان موفقیت این روش‌ها است. در این مقاله به روش تطبیقی - تحلیلی به استناد منابع کتابخانه‌ای، روش مدافعان قرآن و کتاب مقدس در حل موارد متناقض نما بررسی شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مسلمانان در این مقام، روشی قانونمند در پیش گرفته‌اند و بر اساس جمع عرفی میان آیات که مورد پذیرش عقلاء است، تناقضات ظاهری را برطرف نموده‌اند، اما مسیحیان در برخی موارد موفق به رفع تناقضات نشده‌اند و در برخی موارد، پاسخ‌ها و راه حل‌های ارائه شده از سوی آن‌ها، به تکلف‌های نابجا و غیر معقول منجر گشته است.

واژه‌های کلیدی: اسلام، مسیحیت، قرآن، کتاب مقدس، تناقض، روش.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول).

Email: Ehsan.Nazari1375@yahoo.com

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، گروه علوم قرآن و حدیث، مشهد، ایران.

Email: Mirzaee6515@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

مقدمه

۱. بیان مسئله

اسلام و مسیحیت دو دین پرطرفدار در میان سایر ادیان جهان هستند. مبلغان دو دین مذکور، علاوه بر تبلیغ معارف و آموزه‌های عملی و اخلاقی خود در میان ملل مختلف، دین خود را کامل‌ترین دین می‌دانند که ضامن سعادت و نجات بشریت است.

باید توجه داشت که این مقاله را نباید بر اساس پیش‌فرض‌های یک مسلمان نگریت، زیرا درست است که براساس دیدگاه یک مسلمان، کتاب مقدس نوشته بشر است، اما دیدگاه رسمی کلیسای کاتولیک آن را مؤید به تأییدات روح القدس و القائنات او می‌دانند؛ لذا معتقد هستند که علاوه بر انکشاف باید از الهام نیز در خصوص کتاب مقدس سخن گفت. بر همین اساس، علی‌رغم انتقادات فراوان مطرح شده نسبت به کتاب مقدس، دیدگاه رسمی کلیسای کاتولیک، هم‌چنان بر اعتبار محتوای این کتاب استوار است.

چنان‌که در کتاب معتبر کاتشیسم [۱] گفته شده است: «خدا برای تدوین کتب مقدس، افرادی را برگزید که مؤلفان حقیقی آن کتب به حساب می‌آیند، زیرا از استعداد و قوای خود استفاده کرده‌اند و اما خدا به وسیله آن‌ها عمل کرد و آن‌ها را گماشته است تا هرچه او می‌خواهد، بنویسند و نه بیشتر. خدا در کتب وحی شده، حقیقت را تعلیم می‌دهد. بنابراین از آن‌جا که تمام تأکیدات مؤلفان الهام شده یا نویسندگان مقدس را باید قول روح القدس تلقی نمود، باید اذعان کنیم که کتاب مقدس قاطعانه، صادقانه و بدون خطا، حقیقتی را تعلیم می‌دهد که خدا به خاطر نجات ما خواسته است در کتب مقدس مدون شود» (راتزینگر و همکاران، ۱۳۹۳ش: ص ۷۳). بنابراین دیدگاه، علی‌رغم نقادی‌های فراوان صورت گرفته، کلیسای کاتولیک هم‌چنان بر بی‌خطا بودن و علو مطالب کتاب مقدس اصرار می‌ورزد.

بنابراین مقایسه قرآن و کتاب مقدس در این مقام دور از ذهن نیست، زیرا دیدگاه‌های رسمی بر اعتبار و بی‌خطا بودن هر دو دلالت دارند.

لذا این مقاله در صدد بررسی پاسخ‌های ارائه شده توسط مدافعان قرآن و کتاب مقدس و مقایسه این پاسخ‌ها و میزان اقناع‌کننده بودن آن‌ها است تا روشن شود مسیحیان و مسلمانان تا چه میزان توانسته‌اند از کتاب مقدس خود که برای آن جایگاه قدسی قائل هستند، دفاع کنند و به موارد متناقض نما پاسخ قانع‌کننده بدهند. این مقاله در صدد بیان تناقضات ادعایی نیست، بلکه تنها روشی را که مسیحیان و مسلمانان برای پاسخ به این موارد در پیش گرفته‌اند و میزان موفقیت آن‌ها در حل آن موارد را مورد بررسی قرار داده است. بنابراین برای رعایت اختصار به موارد

متناقض نما پرداخته نشده است و تنها به روش حل این موارد و میزان موفقیت آن اکتفا شده است.

بنابراین هدف از تقریر این مقاله این است که با بررسی روش‌ها و پاسخ‌های ارائه شده برای حل موارد متناقض‌نما، میزان موفقیت آن‌ها را سنجیده و از این رهگذر به درجه اعتبار هر یک پی برده شود.

بنابراین سوال اصلی در این مقاله این است که: مدافعان قرآن و کتاب مقدس چه روشی را برای حل موارد متناقض نما در پیش گرفته‌اند و تا چه میزان موفق بوده‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

برای بررسی پیشینه این انگاره در مورد قرآن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. مردی نزد امیرالمومنین علیه السلام آمد و عرض کرد: یا امیرالمومنین، من در کتاب خدا تردید دارم و هنگامی که ایشان از علت تردید وی پرسید، گفت: می‌بینم که برخی قسمت‌های قرآن، برخی دیگر را تکذیب می‌کند. امام علیه السلام به او پاسخ داد: آیات قرآن همدیگر را تصدیق می‌کند نه تکذیب، بلکه تو از علم و دانش کافی برخوردار نیستی تا تو را سود برساند. سپس امام علیه السلام از او خواست تا موارد شک خود را بیان کند و امام علیه السلام به او پاسخ داد (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ص ۲۵۵؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش: ج ۵، ص ۸۴۳).

ب. یکی از زنداقه نزد امیرالمومنین علیه السلام آمد و عرض کرد که اگر در قرآن تناقض وجود نداشت، اسلام می‌آورد. سپس امام علیه السلام از او خواست تا موارد اختلاف را بیان کند و امام علیه السلام به همه سوالات او پاسخ داد (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ص ۲۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۰، ص ۹۸). این حدیث یکی از مفصل‌ترین گزارشات رسیده پیرامون پاسخ‌گویی به آیات متناقض‌نمای قرآن است.

همان‌گونه که گفته شد، بنابر دو گزارش بالا روشن شد که انگاره وجود تناقض در قرآن، از دیرباز و بلکه از قرن نخست مطرح بوده و مفسران قرآن و در راس آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش علیهم السلام که مفسران حقیقی آن هستند، به این آیات متناقض‌نما پاسخ داده‌اند.

گویی نخستین اثر مدون در این زمینه کتاب *الرد علی الملحدین فی تشابه القرآن* اثر ابوعلی محمد بن مستنیر بصری معروف به قُطرب نحوی و ادیب است که از یاران امام صادق علیه السلام به شمار می‌آید. پس از وی، ابن قتیبه در کتاب *تأویل مشکل القرآن*، باب «التناقض والاختلاف» را گشوده و مواردی را که موهم تناقض در قرآن است، پاسخ داده است. زرکشی در *البرهان* و سیوطی در *الاتقان* نیز فصلی در این خصوص مطرح کرده‌اند (نجازادگان، ۱۳۹۹ش: صص ۶۰-۶۱).

اما بارزترین کتاب در پاسخ به این پندار، کتاب *شبهات و ردود آیت الله معرفت* رحمته الله علیه است که در

باب سوم این کتاب به این مسئله پرداخته است و در آغاز آن، پاره‌ای از آثار در این زمینه را به ترتیب تاریخی آن‌ها گزارش می‌دهند (ن.ک: معرفت، ۱۴۲۳ق: صص ۲۴۳-۳۱۰).

اما در خصوص کتاب مقدس به طور سنتی، مسیحیان چه کاتولیک و چه پروتستان، تا پیش از دوره روشنگری معتقد بودند که به واسطه کتاب مقدس می‌توان شناختی را نسبت به مسیح و اندیشه نجات به دست آورد؛ زیرا خدا در این کتاب مکاشفه‌ای روشن و مطمئن در اختیار آن‌ها قرار داده و در نتیجه کتاب مقدس منبعی صحیح و دارای حجیت برای ایمان است. تا پیش از دوره مدرن، این نگاه به کتاب مقدس با مخالفتی مواجه نشده بود، اما به تدریج و در نتیجه حوادث و جریاناتی هم چون تحولات دوره رنسانس و پیدایش اندیشه اومانیسم و بعدها با شکل‌گیری جریانات فکری مانند نهضت اصلاح دینی، انقلاب علمی و روشنگری وارد عرصه‌های جدیدی شد. از اواخر قرن هجدهم، تغییر بزرگی در نوع نگاه محققان به کتاب مقدس پدید آمد. تا پیش از این زمان، اندیشیدن درباره کتاب مقدس در چارچوب آموزه‌های کلیسا بود. نارضایتی فزاینده از نحوه استفاده مقامات کلیسایی از کتاب مقدس و رشد دئیسم و تهاجمات روشنگری، منجر به آغاز دوره نقادی شد. محققان فشارهای سابق را کنار گذاشتند و با کتاب مقدس مانند یک اثر انسانی و محصولی متعلق به دوره‌ای از تاریخ بشر برخورد کردند. نقادان به جای آن‌که، هم چون پیشینیان با احترام و بدون هیچ پرسشی با کتاب مقدس و تفسیرهای آن برخورد کنند، این کتاب را موضوع تحقیقات موشکافانه خویش قرار دادند. تحقیقاتی که ممکن بود به نتایج نامناسبی برسد (ر.ک: حقانی‌فضل، ۱۳۹۲ش: صص ۱۰۳-۱۲۳). البته چنان‌که پیشتر گفته شد، علی‌رغم نقادی‌های فراوان به کتاب مقدس، دیدگاه رسمی کلیسای کاتولیک هم چنان بر بی‌خطا بودن و علو مطالب این کتاب جاری است.

در این میان باید دید که مدافعان قرآن و کتاب مقدس چه روشی را برای پاسخ و حل موارد متناقض‌نما در پیش گرفته‌اند؟

۳. ضرورت و روش پژوهش

ضرورت پرداختن به این مسئله نیز از مطالب فوق روشن می‌شود؛ چرا که قرار است با اعتقاد و عمل به آموزه‌های یک دین، سعادت و هلاکت یک فرد رقم بخورد. پس عقل حکم می‌کند که منشاء و سرچشمه این اعتقادات و آموزه‌ها را باید شناخت و با اطمینان به وحیانی بودن و صحت آموزه‌های آن، به پای آن استوار ماند. این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی به استناد منابع کتابخانه‌ای تدوین یافته است و وجه تمایز آن با سایر مقالات هم‌سو، در بررسی تطبیقی دو روش مدافعان قرآن و کتاب مقدس در حل موارد متناقض‌نما است که به خواننده این فرصت را می‌دهد

تا با مقایسه این دو روش در کنار هم و با شناخت منشاء حقیقی این دو کتاب، به میزان اعتبار هریک پی ببرد.

یافته‌ها و بحث

۱. مفهوم‌شناسی «تناقض»

با توجه به این‌که این مقاله درصدد بررسی این مطلب است که آیا در قرآن و کتاب مقدس تناقض وجود دارد یا خیر، لازم است در ابتدا به درک و فهم صحیحی از مفهوم تناقض برسیم. تناقض از ریشه (نَقَضَ) به معنای گسستن و از هم در رفتن پیوستگی ساختمان و بنا، گره ریسمان و طناب و عقد، ضد بستن و محکم کردن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۵۰؛ جوهری، ۱۳۷۶ق: ج ۳، ص ۱۱۱۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ص ۲۴۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۵۲۹). تناقض در اصطلاح بر اساس آن‌چه منطق دانان تعریف کرده‌اند، عبارت است از: «نحوه‌ای از اختلاف در میان دو قضیه، به‌گونه‌ای که خودش به تنهایی و به ذات موجب می‌شود که یکی درست و دیگری نادرست باشد» (مظفر، ۱۳۶۶ش: ج ۲، ص ۱۸۹؛ سهروردی، ۱۳۷۲ش: ج ۲، ص ۳۰؛ ابن سینا، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۷۸؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۲ش: ص ۱۹). مقصود از اختلافی که به ذات موجب صدق یکی و کذب دیگری است، آن نحوه اختلافی است که قضایا در ضمن هر ماده‌ای باشند و نسبت میان موضوع و محمول هرگونه باشد، چنین اقتضایی دارد.

۲. شروط تناقض

مرحوم مظفر در کتاب المنطق خویش برای تحقق تناقض شرایطی را متذکر می‌گردند که باید آن دو قضیه در هشت امر، اتحاد و در سه امر، اختلاف داشته باشند (مظفر، ۱۳۶۶ش: ج ۲، صص ۱۸۹-۱۹۲).

آن هشت مورد عبارت‌اند از: ۱. موضوع ۲. محمول ۳. زمان ۴. مکان ۵. قوه و فعل ۶. کل و جزء ۷. شرط ۸. اضافه. هم‌چنین اموری که دو قضیه متناقض باید در آن با هم اختلاف داشته باشند، سه امر است که عبارت‌اند از: اختلاف در کم و کیف و جهت که مقصود از اختلاف در آن، این است که اگر یکی از آن دو موجب بود، دیگری سالبه باشد و اگر یکی از آن دو کلیه بود دیگری جزئیه باشد، بنابراین موجب کلیه، نقیض سالبه جزئیه است و موجب جزئیه، نقیض سالبه کلیه است. مورد دیگری که دو قضیه باید در آن اختلاف داشته باشند، اختلاف در جهت است، مانند اختلاف در

ایجاب و سلب؛ چرا که نقیض هر چیزی، رفع آن است. پس همان‌گونه که ایجاب با سلب و سلب با ایجاب رفع می‌شود، جهت یک قضیه نیز با جهت دیگری که نقیض آن است، رفع می‌گردد.

بنابراین برای تشخیص وجود تناقض و عدم آن در میان دو قضیه، باید وجود شرایط فوق را در آن‌ها بررسی نمود. هرگاه این شرایط در آن‌ها محقق شد، تناقض نیز در آن‌ها تحقق خواهد یافت. بسیار رخ می‌دهد که تناقضی را در یک گفتار و یا نوشتار به ما نشان می‌دهند، اما با بررسی شرایط تناقض در آن‌ها متوجه می‌شویم که در آن‌ها تناقضی وجود ندارد، بلکه تنها متناقض‌نماست که می‌توان میان آن‌ها جمع نمود و فهم آن‌ها را تسهیل کرد.

۳. بررسی انگاره وجود تناقض در قرآن

یکی از مباحثی که از دیرباز درباره محتوای قرآن مطرح بوده، انگاره وجود تناقض در میان آن‌ها است که سبب شده است تا برخی منشاء الهی آن را انکار کنند. به همین دلیل است که قرآن، فراوان دعوت به تدبیر می‌کند: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَتْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند» (نساء/۸۲).

۳-۱- اسباب اختلاف: در ذیل به ذکر اسبابی که موجب می‌شود تا توهم تناقض پیش آید، می‌پردازیم.

۳-۱-۱- قرار گرفتن شیء بر انواع مختلف و شکل‌های گوناگون: مانند فرموده خدا درباره خلقت آدم که یک بار فرموده: «خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ؛ او را از خاک آفرید» (آل عمران/۵۹) و بار دیگر فرموده: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ؛ ما انسان را از گل خشکیده‌ای (هم‌چون سفال) که از گل بد بوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم!» (حجر/۲۶) و در جای دیگر آمده: «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ؛ ما آنان را از گل چسبنده‌ای آفریدیم!» (صافات/۱۱) و در جای دیگر می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ؛ انسان را از گل خشکیده‌ای هم‌چون سفال آفرید» (رحمن/۱۴) که این‌ها الفاظ مختلف و معانی آن‌ها در حالات گوناگون و مراحل مختلف از خلقت است که ممکن است در ابتدای امر، تصور تناقض شود. در مورد دیگر درباره تبدیل شدن عصای موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به مار می‌فرماید: «فَإِذَا هِيَ تُعْبَانُ مُبِينٌ؛ و ناگهان مار عظیمی آشکار شد» (شعراء/۳۲) و در جای دیگر می‌فرماید: «تَهْتَرُ كَأَنَّهُمَا جَانٌ؛ دید (با سرعت) هم‌چون ماری کوچک به هر سو می‌دود» (نمل/۱۰) که (تعبان) به معنای مار بزرگ و (جان) به معنای مار کوچک است و شاید مقصود از این دو تعبیر و جمع بین آن، این باشد که آن مار از نظر هیبت، بزرگ و از حیث چالاکی، هم‌چون مار کوچک بود.

۳-۱-۲. **اختلاف موضوع:** یکی دیگر از اسبابی که موجب توهم تناقض می‌شود، اختلاف در موضوع است. در حالی که همان‌گونه که در بحث شرایط تناقض گفته شد، یکی از شروط، اتحاد در موضوع است. برای نمونه یکی از مواردی که برخی در آن توهم تناقض کرده‌اند، آیتی است که می‌فرماید: «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ؛ به یقین، (هم) از کسانی که پیامبران به سوی آن‌ها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد؛ (و هم) از پیامبران سؤال می‌کنیم!» (اعراف/۶) و در جای دیگر می‌فرماید: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ؛ در آن روز هیچ‌کس از انس و جن از گناهش سؤال نمی‌شود (و همه چیز روشن است)!» (رحمن/۳۹) که در تحلیل این دو آیه گفته شده است که آیه اول مربوط به سوال از توحید و تصدیق پیامبران ﷺ است و آیه دوم مربوط به فروع و شرایع دین که فرع بر اقرار به توحید و نبوت است و اگر شخصی اصل توحید را قبول نداشته باشد، بی‌شک بقیه اعمال او بررسی نخواهد شد و مورد قبول قرار نخواهد گرفت و برخی دیگر آن را بر جاهای مختلف حمل کرده‌اند، چه آن‌که قیامت موافق مختلفی دارد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه ۳۹ سوره رحمن می‌نویسد: «سؤالی که در آیه نفی شده و فرموده: «از کسی سؤال نمی‌شود» سؤال به‌طور معمول و مألوف در بین خود ما انسان‌ها است، چنین سؤالی را نفی کرده، پس این آیه منافاتی با آیه «وَفُؤُوهُمْ إِنْهَمْ مَسْئُولُونَ» و آیه «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» ندارد، برای این‌که روز قیامت، موافق مختلفی دارد. در بعضی از آن موافق، مردم بازخواست می‌شوند و در بعضی دیگر، مَهر بر دهان‌هایشان زده می‌شود و در عوض اعضای بدن‌شان سخن می‌گویند و در بعضی موافق، دیگر از سیماشان شناخته می‌شوند» (طباطبایی، ۱۳۷۵ ش: ج ۱۹، صص ۱۷۹-۱۸۰).

در مورد دیگر خداوند در یک جا می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ؛ خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی‌دهد» (اعراف/۲۸) و در جای دیگر می‌فرماید: «أَمْزَنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا؛ خوشگذرانان‌ش را و ما می‌داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند» (اسراء/۱۶) که آیه اول در مورد امر تشریعی و آیه دوم، امر تکوینی به معنای قضا و قدر است.

۳-۱-۳. **اختلاف در دو جهت فعل:** مانند آیه «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنِ اللَّهُ رَمَى؛ این شما نبودید که آن‌ها را کشتید؛ بلکه خداوند آن‌ها را کشت! و این تو نبود (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آن‌ها) انداختی؛ بلکه خدا انداخت!» (انفال/۱۷) که در این آیه، افعال مذکور به اعتبار تأثیر به این معنا که خداوند در آن‌ها تأثیر گذاشته است از پیامبر ﷺ و مومنان نفی شده است نه از جهت مباشرت در انجام آن.

۳-۱-۴. **اختلاف در حقیقت و مجاز:** مانند آیه «وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى؛ و مردم

را مست می بینی، در حالی که مست نیستند» (حج/۲) که از جهت هول انگیز بودن قیامت، حالت مستی را به آن ها نسبت داده است (مجاز) و مستی از جهت شرب خمر را از آن ها نفی کرده است (حقیقت). بنابراین اختلاف در این آیه یک اختلاف ظاهری است و مورد اول که مستی را اثبات می کند، به طور مجاز و از جهت هول انگیز بودن قیامت است نه در حقیقت و از جهت آشامیدن شراب.

البته باید این نکته را متذکر شد که در مثال های مورد ۳ و ۴، توهّم تناقض به وجود نخواهد آمد؛ چرا که به طور طبیعی، این تصور زمانی معقول و منطقی است که میان دو گزاره متناقض نما، فاصله ای حایل شده باشد.

۳-۱-۵. اختلاف به جهت دو وجه و دو اعتبار داشتن: مانند آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ؛ آن ها کسانی هستند که ایمان آورده اند، و دل های شان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است» (رعد/۲۸) و آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ؛ مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل های شان ترسان می گردد» (انفال/۲) که ممکن است از این دو آیه برداشت شود که آرامش و اطمینان در آیه اول با ترس در آیه دوم تناقض دارد که با توجه به آیه ۲۳ سوره زمر، این توهّم برطرف می گردد: «تَقَشَعْرُهُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ؛ آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می ترسند می افتد؛ سپس برون و درون شان نرم و متوجه ذکر خدا می شود». بنابراین آیه اول دلالت بر آرامش به جهت شناخت خداوند و اعتقاد به توحید است و آیه دوم، ترسان بودن هنگام بیم از کژی و انحراف از مسیر هدایت را متذکر می گردد (ر.ک: سیوطی، ۱۳۸۰ش: ج ۲، صص ۹۵-۱۰۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق: صص ۱۸۳-۱۹۲).

۳-۲. روش شناسی حل موارد متناقض نما در قرآن: اصولیون از قدیم برای رفع تعارض بین ادله، مرجحاتی را وضع کرده اند که برخی از آن ها در رفع تناقض ظاهری آیات نیز کاربرد دارد. هم چنین زرکشی فصلی در این خصوص باز کرده و مواردی را مطرح کرده است.

پیش از ذکر مرجحات، لازم است این نکته ذکر شود که جمع بین آیات و رفع تناقض ظاهری آن ها، روشی قانون مند دارد که از آن به «جمع عرفی» یاد می شود. جمع عرفی عبارت است از «جمعی که عرف عام و عقلای عالم آن را می پسندند و در محاورات خود از آن بهره می گیرند» (قلی زاده، ۱۳۷۹ش: ص ۹۰؛ مرکز مطالعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹ش: ص ۳۸۰).

۳-۲-۱. تقدیم خاص بر عام: اشخاصی ممکن است در ابتدا تصور کنند که میان عام و خاص قرآن تناقضی وجود دارد، در حالی که حمل خاص بر عام و تخصیص زدن آن که مطابق با عرف و

حکم عقل است، این تصور را از بین خواهد برد. مثل آیه «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ؛ زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [= عده نگه دارند]» (بقره/۲۲۸) که این آیه عام است؛ یعنی هم شامل زن حامله و غیر حامله و هم شامل زن مدخول بها و غیر مدخول بها می شود و به وسیله آیات «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ؛ و عده زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند» (طلاق/۴) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید و قبل از همبستر شدن طلاق دادید، عده ای برای شما بر آن ها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید» (احزاب/۴۹) تخصیص می خورد.

۲-۲-۳. تقدیم مقید بر مطلق: مطلق آن چیزی است که بر معنای شایع در جنس خود دلالت می کند (مظفر، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ص ۱۷۱؛ عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۰ش: ص ۳۵۲). مقید نیز مقابل مطلق است؛ یعنی شیوع و سرایتش به یک صنف و فرد خاص و نیز به خصوصیت خاص محدود می شود (موسوی بجنوردی، بی تا: ص ۱۱۶). ممکن است برای برخی، تصور تناقض میان آن ها ایجاد شود، درحالی که در چنین حالتی، عرف و عقلا کلام مقید را مقدم می کنند و به وسیله آن، کلام مطلق را تقیید می زنند. مانند شرط بودن عدالت در گواهان بر رجوع و مفارقت و وصیت در آیه «وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید» (طلاق/۲) و آیه «شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ؛ هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبید» (مائده/۱۰۶). در حالی که گواهی بر فروش ها و غیر آن ها را مطلق آورده: «وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ؛ هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می کنید، شاهد بگیرید!» (بقره/۲۸۲) و «فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ؛ و هنگامی که اموال شان را به آن ها باز می گردانید، شاهد بگیرید!» (نساء/۶). در صورتی که عدالت در همه این امور شرط است (سیوطی، ۱۳۸۰ش: ج ۱، ص ۱۰۳).

۳-۲-۳. تقدیم ناسخ بر منسوخ: سه معنای مختلف برای تعریف لغوی مفهوم «نسخ» ذکر شده است که این گوناگونی، منجر به اختلاف در تعریف اصطلاحی آن نیز گشته است. نظر مشهور در این مورد، معنای «ازاله» یعنی «بر طرف ساختن» است، چنان چه در آیه «فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُخَكِّمُ اللَّهُ آيَاتِهِ؛ خداوند القانات شیطان را از میان می برد، سپس آیات خود را استحکام می بخشید» (حج/۵۲) به همین معنا آمده است (خویی، بی تا: ص ۲۷۵؛ زرقانی، بی تا: ج ۲، ص ۷۱؛ عسکری، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۲۷۲؛ ابیاری، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ص ۱۸۳؛ صالح، ۱۳۷۲ش:

ص ۲۵۹؛ میرمحمدی زرنندی، ۱۴۲۰ق: ص ۱۹۷؛ حکیم، ۱۳۷۸ش: ص ۱۹۸). در تعریف اصطلاحی متقدمین از «نسخ» نیز با تعریف متأخرین اختلاف وجود دارد. نسخ نزد پیشینیان مفهومی گسترده‌تر از مفهوم کنونی داشته است. در گذشته هرگونه تغییر در حکم پیشین را نسخ می‌گفتند (معرفت، ۱۳۸۱ش: ص ۲۴۸؛ شاه ولی‌الله، ۱۳۸۲ش: ص ۵۳؛ غفار، ۱۴۱۵ق: ص ۱۸۹). ولی امروزه تنها به همان جایگزینی حکمی به جای حکمی دیگر گفته می‌شود. نسخ در اصطلاح متأخرین اقتضا دارد که امر متقدم بعد از ورود ناسخ، غیر مراد باشد و مراد از تکلیف، امر متأخر باشد که ناسخ است. به عبارت دیگر، امر اول غیر معمول به، و امر دوم معمول به است (معرفت، ۱۳۸۱ش: ص ۲۴۸؛ کمالی دزفولی، ۱۳۷۰ش: ص ۲۶۸؛ فرحات، ۱۴۲۱ق: ص ۱۶۴). به هر روی یکی از مرجحات رفع تناقض، تقدیم ناسخ بر منسوخ است؛ چه آن که عدم شناخت آن‌ها موجب پیدایش توهم تناقض است. البته این مطلب نیاز به بررسی فراوان دارد؛ چه آن که برخی از قرآن پژوهان هم چون آیت‌الله خویی، تنها قائل به نسخ آیه «نجوا» است، در حالی که آیت‌الله معرفت همان آیه را نیز منسوخ نمی‌داند (ن.ک: خویی، بی تا: ص ۳۷۵؛ معرفت، ۱۳۸۸ش: ص ۲۹۷).

۲-۴. تقدیم مدنی بر مکی: بنا بر نظر مشهور، آیاتی را که قبل از هجرت نازل شد، مکی و آن‌هایی را که پس از هجرت نازل شده است، مدنی می‌نامند (ابوزهرة، ۱۳۷۹ش: ص ۴۱؛ زنجانی، ۱۴۰۴ق: ص ۴۰). زرکشی در *البرهان* یکی از مرجحات برای رفع اختلاف ظاهری میان آیات را تقدیم آیات مدنی بر آیات مکی دانسته است، با این احتمال که علت آن نیز تأخر نزول است (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۷۹). در این صورت، بازگشت این مورد به همان مورد فوق، یعنی ناسخ و منسوخ است؛ چه آن که در این مورد این افراد آیه مدنی را ناسخ آیه مکی می‌دانند که با آن اختلاف دارد.

۳-۵. تقدیم محکم بر متشابه: یکی دیگر از مواردی که به واسطه آن ممکن است تصور تناقض و اختلاف در میان آیات قرآن پیش آید، اختلاف ظاهری است که در آیات محکم و متشابه دیده می‌شود. در تعریف محکم و متشابه گفته شده است: «إحکام به معنی محکم و استوار کردن است و سخنی که به روشنی، نمایانگر معنی و مفهومی معین است و مفاهیم و معانی دیگری در بر نداشته باشد، «تشابه» از «تشابه الوجوه» گرفته شده است، یعنی همانندی و شباهت وجهی از آن وجوه با وجه دیگر آن، به گونه‌ای که سخنی، چند وجه از معانی را در برداشته باشد» (معرفت، ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۱۱) از پیامبر ﷺ در این مورد روایت شده است که: «و ان القرآن لم ينزل ليكذب بعضه بعضا ولكن نزل أن يصدق بعضه بعضا فما عرفتم منه فاعملوا به و ما تشابه عليكم فآمنوا به؛ بی شک قرآن فرود نیامده تا بعضی آیاتش بعضی دیگر را دروغ بشمرد؛ بلکه برای آن آمده که برخی بخش‌هایش پاره‌ای دیگر را راست بشمارد، پس هر یک را درست شناختید، بدان عمل کنید

و هر چه برایتان مشتبه بود، آن را بپذیرید» (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۶). از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که «إِنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ فَأَمَّا الْمُحْكَمُ فَتُؤْمِنُ بِهِ وَ نَعْمَلُ بِهِ وَ نَدِينُ اللَّهُ بِهِ وَ أَمَّا الْمُتَشَابِهُ فَتُؤْمِنُ بِهِ وَ لَا نَعْمَلُ بِهِ؛ قرآن دارای محکم و متشابه است، ما به محکمت آن ایمان و باور داریم و به آن‌ها عمل می‌کنیم و به متشابه آن ایمان داریم ولی عمل نمی‌کنیم» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۷، ص ۱۹۸؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۲۰۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ص ۱۶۲) و این‌که چگونه باید این اختلاف ظاهری را برطرف نمود، گفته شده است که باید متشابهات را بر محکمت ارجاع داد؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ رَدَّ مُتَشَابِهَ الْقُرْآنِ إِلَى مُحْكَمِهِ هُدًى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ هرکه متشابه قرآن را به محکم آن ارجاع دهد، به راه راست هدایت شده است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ص ۲۹۰). از جمله مواردی که ممکن است در آن تصور تناقض شود، این است که در آیات ۲۲ و ۲۳ سوره قیامت آمده است: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ؛ (آری) در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است * و به پروردگارش می‌نگرد!» که بنابر این آیات، ممکن است چنین تصور شود که خداوند در قیامت قابل مشاهده است، اما در آیه ۱۰۳ سوره انعام می‌فرماید: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ؛ چشم‌ها او را نمی‌بینند» که مشاهده خداوند را نفی می‌کند. در این جا با توجه به مسلمات عقلی که تجسیم خداوند را نفی می‌کند، آیه اول را بر آیه دوم ارجاع می‌دهیم و معنای ظاهری آیه را نمی‌پذیریم و آن را تأویل می‌بریم.

۳-۳. نظریه خلف الله برای توجیه اختلافات قصص قرآن: محمد احمد خلف الله [۲] در رساله دکتری خود «الفن القصصی فی القرآن الکریم» می‌نویسد: «قصه، اثری ادبی است که نتیجه تخیل قصه‌گو در باب حوادثی است که قهرمان حقیقی ندارد و اگر قهرمان هم داشته باشد، حوادث منسوب به او هرگز وجود خارجی ندارد» (خلف الله، ۱۹۹۹م: ص ۱۵۲). یکی از انگیزه‌های او در مطرح کردن چنین نظریه‌ای، تکرار متفاوت قصص قرآن است؛ زیرا در نگاه ادبی به قصه‌ها و انکار حقیقت تاریخی آن‌ها، دیگر نه تکرار مطرح است و نه اختلاف و نه تشابه (همان: ص ۶۴ و ۷۴). خلف الله به جای پاسخ مناسب به اشکالات عده‌ای از مستشرقان و مبلغان مسیحی در غیر و حیانی بودن آیات، به روی آورد ادبی و فن بلاغی پناه برده است و با میزان قرار دادن مکتوبات تورات و انجیل، به مبانی شکاکان تن داده است، این درحالی است که قرآن، قصص خود را حق می‌داند: «يَقُصُّ الْحَقُّ؛ حق را از باطل جدا می‌کند» (انعام/ ۵۷) (مهدوی‌راد و میرزایی، ۱۳۹۱ش: ص ۸۵) و اختلافات جزئی در آن‌ها، از حیث فن قصه‌گویی و اشاره به ابعاد مختلف داستان است.

۳-۴. استدلال قرآن بر اعتبار خود: برخی آیات قرآن نیز بر عدم وجود تناقض و اختلاف در قرآن تأکید دارد که صریح‌ترین آن آیه ۸۲ سوره نساء است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

لَوْ جَدُوا فِيهِ اخْتِلافًا كَثِيرًا؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند». این آیه مخالفین قرآن را تشویق می‌کند به دقت و تدبر در آیات قرآن و این‌که در هر حکمی که نازل می‌شود و هر حکمی که بیان می‌گردد یا هر داستانی که حکایت می‌شود و یا هر موعظه و اندرز که نازل می‌گردد، آن آیه جدید را به همه آیاتی که مربوط به آن است عرضه بدارند، چه آیات مکی و چه مدنی، چه محکم و چه متشابه، آن‌گاه همه را کنار هم قرار دهند تا به طور کامل بر ایشان روشن گردد که هیچ اختلافی بین آن‌ها نیست و متوجه شوند که آیات جدید، آیات قدیم را تصدیق می‌کنند و هر يك شاهد بر آن دیگری است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۵، ص ۲۶).

شیخ طوسی، مرحوم طبرسی و ابوالفتح رازی، اختلاف را بر ۳ قسم تقسیم کرده‌اند: اختلاف تناقض، اختلاف تفاوت و اختلاف قرائت. نوع دوم اختلاف، یعنی اختلاف تفاوت، به معنای نیکی و زشتی، خطا و صواب و... است. سخنور حکیم، سخن خود را از خطا و زشتی دور نگاه می‌دارد. بدیهی است که در قرآن کریم، این نوع اختلاف وجود ندارد. همان طوری که تناقض که نوع اول اختلاف است نیز وجود ندارد. اما اختلاف قرائت و تلاوت، نظیر اختلافی که در وجوه قرآن و اختلافی که در تعداد آیات و سوره‌ها و اختلافی که میان احکام، از لحاظ ناسخ و منسوخ وجود دارد، این‌گونه اختلافات، در قرآن موجود است و همه آن‌ها صحیح است و هیچ‌یک به اعتبار آن آسیبی نمی‌رساند (طوسی، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۷۱؛ طبرسی، بی‌تا: ج ۵، صص ۲۶۲-۲۶۳؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ص ۳۴).

این در حالی است که هیچ انسانی نیست مگر آن‌که احساس می‌کند امروز عاقل‌تر از دیروز است و حکمی که می‌کند، پخته‌تر و محکم‌تر از تدبیر و رأی دیروز است. اما قرآن که در مدت ۲۳ سال بر طبق احتیاجات و نیازمندی‌های تربیتی مردم در شرایط و ظروف کاملاً مختلف نازل شده و درباره موضوعات متنوع سخن گفته و مانند کتاب‌های معمولی که تنها یک بحث اجتماعی، سیاسی، فلسفی، حقوقی و یا تاریخی را تعقیب می‌کند نیست، با تمام این جهات، همه آیات آن هماهنگ، خالی از هر گونه تضاد، اختلاف و ناموزونی است و این نشان می‌دهد که این کتاب زائیده افکار انسان‌ها نیست، بلکه از ناحیه خداوند است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ج ۴، صص ۲۹-۲۸).

۴. بررسی انگاره وجود تناقض در کتاب مقدس: در این بخش به بررسی این انگاره در کتاب مقدس خواهیم پرداخت. اما پیش از ورود به بحث، شایسته است تا دیدگاه مسیحیان، نسبت به الهامی بودن کتاب مقدس و چرایی پیدایش انگیزه‌های نقد خطاناپذیری آن و رابطه آن با تناقضات کتاب مقدس، مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱. مکاشفه بودن کتاب مقدس و چالش‌های آن: به عقیده مسیحیان، خداوند با فرستادن

پسرش یعنی عیسی به سوی بشریت، خودش را برای بشر آشکار ساخته و از آن تعبیر به وحی الاهی می‌کنند. به عقیده آن‌ها خدا به تدریج با انسان ارتباط برقرار می‌کند. خدا انسان را آماده می‌کند تا مرحله به مرحله وحی فوق طبیعی که در شخص و پیام کلمه متجسد - عیسی مسیح - به اوج خود می‌رسد، بپذیرد. به عبارتی دیگر، خداوند به واسطه فرستادن عیسی مسیح (که خود او نیز خدا هست)، زمینه را برای آشکار کردن خویش فراهم ساخته است. به عقیده آن‌ها خدا در طول زمان از طریق انبیاء مختلف با بشر سخن گفته تا نوبت به عیسی مسیح که کلمه واحد و بی‌مانند است، رسید و پدر در او همه چیز را گفته است و کلمه دیگری به جز این کلمه نخواهد بود (راتزینگر و همکاران، ۱۳۹۳ش: صص ۶۰-۶۴). از نظر آنان، وحی همان انکشاف و خودآشکارسازی خداوند به وسیله عیسی مسیح است و مسیح نیز به رسولان دستور داد تا/انجیل را، به مردم سراسر جهان برسانند (متی ۲۸: ۱۹-۲۰ / مرقس ۱۶: ۱۵) و رسولان نیز به دو طریق شفاهی و کتبی، آن چه را که خود از لبان مسیح شنیده بودند یا آن را از القائات روح القدس دریافت کرده بودند، نوشتند و رسولان به منظور این که همیشه/انجیل، زنده و کامل در کلیسا محفوظ بماند، اسقفان را به جانشینی خود تعیین کرده‌اند و مقام مرجعیت تعلیمی خود را به آن‌ها سپرده‌اند. پس سنت مقدس و کتاب مقدس، به طور کامل به یکدیگر مرتبط و متصل اند. برای این که به عقیده مسیحیان، هر دوی آن‌ها از یک منشأ واحد الاهی نشئت می‌گیرند و به گونه‌ای همراه یکدیگرند که یک کل را تشکیل می‌دهند و در جهت هدف واحد حرکت می‌کنند (راتزینگر و همکاران، ۱۳۹۳ش: صص ۶۶-۶۷). بنابراین در اندیشه مسیحیان، روشن‌ترین و ماندگارترین منبعی که خدا در اختیار انسان قرار داده، مکاشفه خاص او در کتاب مقدس است و با توجه به خودآشکارسازی خاص خداوند در متون مقدس، درباره این کتاب علاوه بر انکشاف، باید از الهام نیز سخن گفت (تیسن، بی تا: ص ۴۳). اگرچه قاطبه مسیحیان کتاب مقدس را متضمن الهام الاهی می‌دانند، اما درباره محدوده و چگونگی این الهام، اختلاف نظر جدی دارند. نظریه مسیحیت ارتدوکس در باب الهام کتاب مقدس را می‌توان در زمره نظریه‌های غیر لفظی دانست که الهام الاهی را در جایی غیر از الفاظ کتاب مقدس جست‌وجو می‌کنند؛ به این معنا که تمام الفاظ آن یا حتی تمام مطالب آن را الهامی نمی‌دانند. از نظر کلیسای ارتدوکس شرقی، الهام الاهی بیشتر ناظر به محتوای این کتاب است تا سبک دستور زبان، تاریخ یا قالب بیان مطالب آن. در مقابل، دیدگاه رسمی کاتولیک هم چنان جزو گروه‌هایی است که برای الفاظ کتاب مقدس نیز اعتبار قائل‌اند، اما نظرات پروتستان‌ها در باب الهام و نیز خطاناپذیری کتاب مقدس، طیف گسترده‌ای است که از لیبرال‌ترین تا محافظه‌کارترین نظرات را در بر می‌گیرد (گروه نویسندگان، ۱۳۹۸ش: ج ۱، ص ۱۱۴).

عبارت‌های بسیار اندکی در کتاب مقدس وجود دارد که بیانگر این مطلب است که برخی نوشته‌های کتاب مقدس، نگارش مستقیم خود خداوند است (خروج ۲۴: ۱۲). آن چه در کتاب مقدس بیشتر به چشم می‌آید، آن است که کلام خداوند از طریق فرد واسطه منتقل می‌شود (برای مثال حزقیال ۳: ۱ و هوشع ۱: ۱). با این که ارتباط خدا با مردم از طریق پیامبران علیهم‌السلام از موضوعات پربسامد در کتاب مقدس است، این کتاب در باره چگونگی الهام، کم سخن گفته است. برای مثال درباره هوشع آمده که «کلام خدا بر هوشع بن بئیری نازل شد» (هوشع ۹: ۷؛ میکاه ۳: ۸؛ حزقیال ۲: ۲، ۱۱؛ اشعیا ۴۲: ۱ و ۶۱: ۱)، اما از چگونگی این نزول سخنی نیست (گروه نویسندگان، ۱۳۹۸ش: ج ۱، ص ۱۰۳). این کم توجهی به چگونگی الهام، تا مدت‌ها ادامه داشت و کلیسا و آباء کلیسا هرگز تلاش نکردند تا یک باور قطعی را درباره الهام شکل دهند. تا پیش از عصر روشنگری، وضع به همین منوال بود. اما نگاه انتقادی حاکم در زمان روشنگری، بحران عظیمی برای این اعتقاد پدید آورد. در مواجهه با این مشکل، برخی از محققان از اصل، ادعای الهامی بودن کتاب مقدس را رد کردند و برخی دیگر هم چنان به دفاع از این ادعا پرداختند (حقانی فضل، ۱۳۸۹ش: ص ۲۰۰).

توماس در کتاب خود در توجیه عقیده مسیحیان درباره وحی می‌نویسد: «اکثر متفکران کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان عصر حاضر، نظریه عصمت لفظی کتاب مقدس را مردود می‌شمارند. آن‌ها به وحی لفظی کتاب مقدس عقیده ندارند و مسئله را پیچیده‌تر از این می‌دانند ... به عقیده همه مسیحیان، اصل پیام از خدا آمده و در نتیجه، حق است. اما شکل پیام تنها به خدا مربوط نمی‌شود، بلکه به عامل بشری نیز ارتباط پیدامی‌کند. این عامل بشری، نویسنده کتاب است که مانند همه مردم محدود و در معرض خطاست ... گاهی این نویسنده بشری نظریات غلط یا اطلاعات اشتباه آمیزی دارد که اثر آن در متن کتاب باقی می‌ماند. جز این که این امر به شکل و ظرف پیام مربوط می‌شود و تأثیری بر اصل پیام ندارد» (توماس، ۱۳۸۱ش: ص ۲۷).

ایشان سخن فوق را متذکر می‌گردد، اما پاسخ نمی‌دهد که استدلال الهیات دانان مسیحی بر ادله‌ای همانند یکپارچگی و صداقت نویسندگان کتاب مقدس بر الهامی بودن آن از چه روست؟! و اگر کتاب مقدس از خطا و لغزش‌های نویسندگان مصون نیست، پس کارکرد وحی در آن به چه معناست و چه فایده‌ای دارد؟!

باربور نیز در این باره می‌گوید: «نظر ما این است که وقایع و حیاتی هرچه هستند، هم پای بشر را به میان می‌کشند و هم خداوند را و لذا هیچ وحی تعبیر نشده‌ای وجود ندارد ... از این نظرگاه، اعتنای خداوند این نبوده است که یک کتاب معصوم املا کند یا تعالیم تخطی‌ناپذیر و خطاناپذیری القا کند، بلکه به منصف ظهور آوردن وقایعی در حیات افراد و جوامع بوده است.

خود کتاب مقدس، سراپا یک مکتوب بشری است که حکایت‌گر این وقایع و حیانی است» (باربور، ۱۳۷۹ش: صص ۲۶۸-۲۶۹).

از نظر آن‌ها وحی فقط القای معانی است، نه املائی الفاظ که البته به کمک الهی، قلبی که صلاحیت بیشتری برای آن معنا دارد را می‌یابد و آن معنا را در آن قالب استعمال می‌کند (غردیه و قنواتی، ۱۹۶۷م: ج ۲، ص ۳۹۲).

اما مگ‌گراث با استناد به کتاب معتبر کاتشیسیسم، برخلاف سخن آن‌ها معتقد است و می‌نویسد: «اجماع کلی مسیحیان در باب الهام و حجیت یا اعتبار کتاب مقدس را می‌توان در شماری از اعتراف‌نامه‌های عمده، هم در آیین پروتستان و هم در کلیسای کاتولیک روم، مطالعه کرد» (مگ‌گراث، ۱۳۸۴ش: ص ۳۴۲).

هم‌چنین در کاتشیسیسم آمده است: «خدا برای تدوین کتب مقدس، افرادی را برگزید که مؤلفان حقیقی آن کتب به حساب می‌آیند، زیرا از استعداد و قوای خود استفاده کرده‌اند و اما خدا در آن‌ها و به وسیله آن‌ها عمل کرد و آن‌ها را گماشته است تا هر چه او می‌خواهد، بنویسند و نه بیشتر. خدا، کتب وحی شده حقیقت را تعلیم می‌دهد. بنابراین از آن‌جا که تمام تأکیدات مؤلفان الهام شده یا نویسندگان مقدس را باید قول روح القدس تلقی نمود، باید اذعان کنیم که کتاب مقدس قاطعانه، صادقانه و بدون خطا، حقیقتی را تعلیم می‌دهند که خدا به خاطر نجات ما خواسته است در کتب مقدس مدون شود» (راتزینگر و همکاران، ۱۳۹۳ش: ص ۷۳).

بر اساس این ادعا، بر خلاف آن چیزی که توماس مایکل و باربور گفته‌اند، نویسندگان کتاب مقدس در هنگام نگارش آن دارای عصمت بوده و آنان تنها آن چیزی را نوشته‌اند که خداوند اراده نموده و چیزی بر آن نیفزوده و نکاسته‌اند و مورد لغزش قرار نگرفته‌اند.

به هر روی، به عقیده دسته‌ای از مسیحیان، وحی کتاب مقدس از نوع الهام غیر لفظی است که بر برخی از آحاد بشر وارد شده و آن‌ها نیز هیچ‌گاه معصوم نبوده‌اند، بلکه از فرهنگ و تمدن عصر خویش و شرایط حاکم بر جامعه‌اش تأثیر پذیرفته‌اند و هم‌چنین آن‌ها مانند دیگر افراد جامعه دارای یک سلسله معلومات، احساسات و اسلوب ویژه‌ای در نگارش بوده‌اند و در آن از سبک ادبی خاص خود بهره برده‌اند (سعیدی روشن، ۱۳۹۸ش: ص ۶۵).

الهام دارای دو جنبه عینی و ذهنی است. الهام عینی کتاب مقدس به این معناست که خدا در تألیف نوشته‌های کتاب مقدس دخالت داشته است. اما الهام ذهنی، اشاره به این دارد که در این نوشته‌ها چیزی وجود دارد که می‌تواند بر انسان تأثیر بگذارد. این نوع الهام نشان می‌دهد، صفت «الهامی» فقط مختص به متون نیست.

الهام ذهنی می‌تواند به ما در توضیح این مطلب کمک کند که چرا برخی کتاب مقدس را به عنوان متنی الهامی می‌پذیرند، اما دسته‌ای دیگر برای آن‌ها اعتباری بیشتر از یک سند تاریخی قائل نیستند. الهام را می‌توان از جنبه دیگر توصیف و معنا کرد. اگر اثری که الهام در پذیرنده آن پدید می‌آورد را محور قرار دهیم، می‌توانیم الهام را در دو دسته فعال و منفعل توصیف کنیم (حقانی فضل، ۱۳۸۹ش: ص ۱۹۹).

به‌طور سنتی مسیحیان، چه کاتولیک و چه پروتستان، معتقد بودند که به واسطه کتاب مقدس می‌توان شناختی را نسبت به مسیح و اندیشه نجات به دست آورد، زیرا خدا در این کتاب مکاشفه‌ای روشن و مطمئن در اختیار آن‌ها قرار داده و در نتیجه کتاب مقدس منبعی صحیح و دارای حجیت برای ایمان است. تا پیش از دوره مدرن، این نگاه به کتاب مقدس با مخالفتی مواجه نشده بود، اما به تدریج و در نتیجه حوادث و جریاناتی هم‌چون تحولات دوره رنسانس و پیدایش اندیشه اومانیسم و بعدها با شکل‌گیری جریانات فکری مانند نهضت اصلاح دینی، انقلاب علمی و روشنگری وارد عرصه‌های جدیدی شد. از اواخر قرن هجدهم، تغییر بزرگی در نوع نگاه محققان به کتاب مقدس پدید آمد. تا پیش از این زمان، اندیشیدن درباره کتاب مقدس در چارچوب آموزه‌های کلیسا بود. نارضایتی فزاینده از نحوه استفاده مقامات کلیسایی از کتاب مقدس و رشد دئیسم و تهاجمات روشنگری منجر به آغاز دوره نقادی شد. محققان فشارهای سابق را کنار گذاشتند و با کتاب مقدس مانند یک اثر انسانی و محصولی متعلق به دوره‌ای از تاریخ بشر برخورد کردند. نقادان به جای آن‌که، هم‌چون پیشینیان با احترام و بدون هیچ پرسشی با کتاب مقدس و تفسیرهای آن برخورد کنند، این کتاب را موضوع تحقیقات موشکافانه خویش قرار دادند، تحقیقاتی که ممکن بود به نتایج نامناسبی برسد (ر.ک: حقانی فضل، ۱۳۹۲ش: صص ۱۰۳-۱۲۳).

به هر روی، علی‌رغم نقادی‌های فراوان کتاب مقدس و وجود نظریات مختلف پیرامون خطاپذیری یا خطاناپذیری آن، دیدگاه رسمی کلیسای کاتولیک چنان‌که بیان شد بر خطاناپذیری و نجات‌گر بودن آن استوار است.

با این حال، برخی الهیات‌دانان مسیحی برای تناقضات کتاب مقدس، پاسخ‌هایی ارائه داده‌اند که به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۴. روش‌شناسی حل موارد متناقض نما در کتاب مقدس

۲-۴-۱. **ظاهری بودن تناقض‌ها:** مدافعان کتاب مقدس بیان می‌کنند که مواردی از این کتاب که ممکن است در ابتدای امر متناقض بنمایاند، در حقیقت تناقضی ندارد، بلکه با اندک تأملی معلوم می‌شود که اشکال مذکور وارد نبوده است. برای مثال عده‌ای به عهد جدید اشکال وارد

کرده‌اند که در جایی از آن گفته شده است که عیسی علیه السلام جان خود را برای دوستانش داده است (محبتی بیش از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند) (یوحنا ۱۳: ۱۵)، اما در جای دیگر گفته است که جان خود را برای دشمنانش داده است (زیرا هنگامی که دشمن بودیم، به واسطه مرگ پسرش با خدا آشتی داده شدیم) (رومیان ۱۰: ۵). مدافعان کتاب مقدس در پاسخ به این تناقض گفته‌اند: این جملات با یکدیگر تناقضی ندارد؛ زیرا مسیح هم برای دوستانش و هم برای دشمنانش جان داده است. تناقض در صورتی بود که در یکی از این دو آیه گفته شده بود که «فقط» برای دوستانش یا دشمنانش جان داده است. یکی از راه‌های حل تناقضات مشهود در کتاب مقدس، هماهنگ ساختن تناقضات است. در جایی گفته شده است که گزارش‌هایی که در کتاب مقدس در مورد یک موضوع واحد وجود دارد، متناقض نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. به عنوان مثال در پاسخ به چگونگی مرگ یهودا که «متی» می‌گوید: یهودا خود را حلق آویز کرد (متی ۵: ۲۷). اما اعمال رسولان می‌نویسد: شکمش دریده گشت و احشایش برون ریخت (اعمال رسولان ۱: ۱۸). گفته شده است یهودا خود را حلق آویز کرد و پس از مرگ از ارتفاع افتاد و شکمش دریده شد (حقانی فضل، ۱۳۹۲ ش: صص ۲۲۴-۲۲۲).

نقد و بررسی:

در گذشته اشاره شد که جمع بین گزاره‌های متناقض نما، دارای روشی قانون مند است که باید بر اساس آن عمل نمود و در غیر این صورت، جمع صورت گرفته چیزی جز تکلف‌های متعصبانه نخواهد بود. جمع بین گزاره‌های متناقض نما تنها باید به صورت جمع عرفی باشد که در میان عرف و عقلا پذیرفته است، از قبیل مطلق و مقید، عام و خاص، ناسخ و منسوخ و تذکر این نکته نیز لازم است که در صورت وجود دلیل قطعی، می‌توان توجیهاتی از این قبیل بیان کرد. اما در غیر این صورت، این توجیهات چیزی جز ترشحات ذهنی اشخاص که مبتنی بر حدس و گمان است، نیست.

۲-۲-۴. **نظریه نسخه اصلی:** بر اساس این نظریه، نسخه اصلی کتاب مقدس که به دست نویسندگان اصلی اش نوشته شده، خطاناپذیر است، نه نسخه‌هایی که امروز در دسترس ما هستند؛ بنابراین هر خطایی که در کتاب مقدس مشاهده شود، ناشی از ناتوانی نسخه برداران در انتقال صحیح متن اصلی است (گروه نویسندگان، ۱۳۹۸ ش: ج ۱، ص ۲۸۱).

نقد و بررسی:

این نظریه در حقیقت، کتاب مقدس اصلی را نسخه‌ای فرضی، دور از دسترس و خطاناپذیر می‌داند و خطاهای موجود در نسخه‌های فعلی را به نسخه‌نویسان نسبت می‌دهد. بنابراین

تمامی نسخه‌های موجود خطاپذیر و بی‌اعتبارند و دیگر کاربردی ندارند؛ زیرا آن چه ملاک ایمان مسیحی است، در دسترس نیست و آن چه که در دست است، چیزی جز نوشته‌هایی نامعتبر نیست. بنابراین این نظریه نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه بر فرض قبول آن نیز بر بی‌اعتباری کتاب مقدس موجود و خطاپذیری آن تأکید می‌نماید و پایه‌های حجیت آن را در تمامی عرصه‌ها، از جمله عقاید و نقل تاریخ متزلزل و غیر قابل اعتماد می‌سازد.

۲-۳. تفسیر تمثیلی: یکی دیگر از پاسخ‌های مسیحیان به وجود خطا و ناسازگاری در کتاب مقدس، نظریه تفسیر تمثیلی است. بسیاری از مسیحیان به‌ویژه کاتولیک‌ها، معتقدند که خطاناپذیری کتاب مقدس مربوط به آن چیزی است که نویسندگان این کتاب قصد بیان آن را داشتند، هرچند که ممکن است الفاظ مورد استفاده از نظر ظاهری و تحت الفظی بی‌معنا باشد و برای دست یافتن به آن مقصود، باید به آداب و قواعد آن زمان توجه داشت و هم چنین قصد نویسنده، نوع ادبیات متن و بافت تاریخی آن را در نظر گرفت (حقانی فضل، ۱۳۹۲ش: صص ۲۲۷-۲۳۱).

نقد و بررسی

به نظر می‌رسد این پاسخ نیز چندان راهگشا نیست، زیرا مهم‌ترین مسئله‌ای که در این باره به ذهن می‌رسد، این است که با چه ملاکی موارد تمثیلی را تعیین کنیم و چگونه دریابیم مقصود نویسنده از این سخن معنای ظاهری آن نیست؟ علاوه بر این از منظر بسیاری از متألهان بزرگ مسیحی، همان متونی را که عده‌ای از آن تمثیل را برداشت کرده‌اند، معنایی روشن دارد و از نظر لفظی به‌طور کامل صحیح است (همان).

۲-۴. وجود خطا، دلیل بر صداقت: یوحنا زین دهان، اسقف قسطنطنیه درباره وجود تناقض در کتاب مقدس می‌گوید: «بسیار می‌شود که اختلاف انجیل نویسان را مطرح می‌کنند؛ ولی این قطعاً دلیل محکمی بر حقانیت آن‌ها است. اگر آن‌ها در مورد همه جزئیات، زمان، مکان و واژه‌ها با یکدیگر توافق می‌کردند، دشمنانشان سخنان هیچ‌یک از آن‌ها را باور نمی‌کردند و می‌پنداشتند که این نوشته‌ها حاصل توافق آن انسان‌ها است و آن توافق را زاییده حقیقت محض نمی‌دانستند. در واقع همین ناهماهنگی در اندک جزئیات، بدگمانی را از آن نویسندگان دور می‌کند و اعتبار ایشان را به اثبات می‌رساند» (پیترز، ۱۳۸۴ش: ج ۳، ص ۷۴ به نقل از گروه نویسندگان، ۱۳۹۲ش: ج ۱، ص ۲۸۳).

نقد و بررسی

ما فقط دو گزاره در پیش رو داریم: یا تمام این‌ها سند، کلام خدا است و یا تمام آن، کلام خدا نیست. چرا که اگر گفته شود برخی از آن کلام خدا است، همانند این است که همه آن کلام خدا

نباشد؛ زیرا نتیجه آن نیز ساقط شدن از اعتبار و عدم حجیت است، چرا که ما ملاک قطعی برای تشخیص آن بخشی که کلام خداوند است را در دست نداریم و اگر الهیات دانان مسیحی، اصل وقوع تناقض را بپذیرند، نمی‌توانند هم‌چنان بر الهامی و خطاناپذیر بودن آن اصرار ورزند و این سخنان تنها توجیهاتی غیر معقول است؛ چرا که اگر همان‌طور که ادعا شده، کتاب مقدس منشأ الهی دارد، دیگر وجود خطا و تناقض در آن راهی نداشت و وجود آن، دو معنا بیشتر نخواهد داشت، یا خداوند راضی به گمراهی بندگان خود شده است و این نقض غرض از ارسال رسل و انزال کتب است و از خدای حکیم سر نمی‌زند و یا این‌که باید بپذیریم که این کتاب منشأ انسانی دارد و از همین جهت است که خطا و تناقض در آن راه یافته و توجیهاتی از این دست تنها وهن نسبت به خداوند است؛ چرا که راضی شده بندگان از آموزه‌های کتابی تبعیت کنند که در میان آن‌ها، ناسازگاری و تناقض وجود دارد و بندگان خود را در میان آن‌ها سرگردان کرده است.

۴-۲-۵. **عدم مشروعیت نقادی کتاب مقدس:** کیوپیت در کتاب *دریای ایمان* در این باره می‌نویسد: «از دید سنت‌گرایان، تورات و انجیل مؤلفشان خود خداست و کلام پروردگارانند خطاب به انسان. تنها طرز خواندن درست و یگانه راه گشودن رموز آن‌ها، قرائت با حضور ذهن ایمان سنتی است. برخورد انتقادی با آن‌ها، به‌طور قطع زبینه نیست؛ چرا که به اصل مطلب تردید راه می‌دهد و از اول کتاب مقدس را نه کلام خدا، بلکه تنها کتابی بشری می‌شمارد» (کیوپیت، ۱۳۷۶ ش: ص ۱۰۹). طرفداران این پاسخ مدعی‌اند که پیش‌فرض‌های نقادان کتاب مقدس، مبتنی بر بی‌اعتقادی نسبت به این کتاب است و به همین دلیل است که خطاهایی را به آن نسبت داده‌اند و از همین جهت بی‌اعتبار است (حقانی فضل، ۱۳۹۲ ش: ص ۲۳۹).

نقد و بررسی

کیوپیت در نقد این نظر می‌نویسد: «دین و کتاب مقدس بسیار است، نباید جزم‌اندیش بود و یکی را بر حق دانست و دیگران را نادیده انگاشت، همه کتاب‌های مقدس را باید با دید سنجش‌گر خواند و به داور ارزش‌های دینی و اخلاقی که می‌آموزند و اطلاعات تاریخی که می‌دهند، پرداخت. از این گذشته، انجیل مسیحیان به‌وضوح سندی بشری و تاریخی وابسته به زمان‌ها و مکان‌های مشخصی در گذشته است، اگر آن را منبع اطلاعات خود سازیم باید همان پرسش‌هایی را از آن بکنیم که از دیگر مدارک تاریخی می‌کنیم. انجیل برخلاف برخی کتب مقدس دیگر، سرشت ادبی بسیار آمیخته‌ای دارد، نوشته‌های انجیل از آغاز جنبه مقدس نداشت، این‌ها در ابتدا تحریراتی گه‌گاهی بود که مصون ماند، احترام گسترده یافت و سرانجام کلیسا آن‌ها را مقدس ساخت. پس انجیل در اصل مقدس نبود، بلکه تحولات تاریخی بعدی بدان تقدس داد» (کیوپیت، ۱۳۷۶ ش: ص ۱۰۹).

صص ۱۰۹-۱۱۰).

۲-۴. **ایمان‌گرایی:** یکی دیگر از پاسخ‌های مدافعان کتاب مقدس، مطرح کردن بحث ایمان‌گرایی است. به این معنا که مدافعان مسیحی، اجازه بررسی خطاپذیری کتاب مقدس را نمی‌دهند و تنها از ایشان می‌خواهند که ایمان بیاورند و به اعتقاد این دسته، نقطه شروع الهیات مسیحی، ایمان است نه عقل، در حالی که باید توجه کرد که ماسه دسته‌گزاره در مواجهه با عقل داریم: ۱. گزاره‌های سازگار با عقل، ۲. گزاره‌های عقل‌گریز و ۳. گزاره‌های عقل‌ستیز. به گزاره‌های دسته یک و دو می‌توان ایمان آورد، ولی چگونه می‌توان به گزاره‌های عقل‌ستیز ایمان آورد؟! (گروه نویسندگان، ۱۳۹۸ش: ج ۱، ص ۲۸۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. انگاره تناقض، هم در رابطه با قرآن و هم در رابطه با کتاب مقدس وجود دارد. مدافعان هر یک سعی کرده‌اند که به این انگاره پاسخ دهند و ساحت این دو کتاب را از چنین تصویری که موجب تزلزل در اعتبار و منشأ وحیانی آن می‌شود، تطهیر کنند.
۲. مسلمانان در این باره روشی قانون‌مند در پیش گرفتند و سعی کردند تا به وسیله جمع عرفی (جمعی که عرف و عقلا آن را می‌پسندند)، به این انگاره پاسخ دهند و نشان دهند که آیات قرآن، متناقض‌نما و از قبیل عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و ... هستند و یا به وسیله قرائنی هم چون سنت قطعی، قابل پاسخ هستند.
۳. مدافعان مسیحی نیز در خصوص انگاره تناقض در کتاب مقدس پاسخ‌هایی هم چون ظاهری بودن تناقض‌ها، نظریه نسخه اصلی، تفسیر تمثیلی، وجود خطا دلیل بر صداقت، عدم مشروعیت نقادی کتاب مقدس و ایمان‌گرایی ارائه داده‌اند. در برخی موارد، موفق شدند تا اثبات کنند که برخی از آیات متناقض در حقیقت متناقض‌نما هستند و ناسازگاری میان آن‌ها وجود ندارد. اما در برخی موارد نیز ناموفق بودند و پاسخ‌ها و راه‌حل‌های ارائه شده از سوی آن‌ها به نوعی تکلف‌های نابجا و غیر معقول به‌شمار می‌رود که برای پذیرفتن آن، قرائن قطعی در دست نیست. چنین مطلبی می‌تواند حجیت و اعتبار تمام کتاب مقدس را مخدوش سازد؛ زیرا ملاک قطعی برای تشخیص قسمت‌های اصیل و صحیح آن وجود ندارد.
۴. با بررسی تطبیقی پاسخ‌ها و راه‌حل‌های ارائه شده، مشخص می‌شود که این انگاره در قرآن و بخشی از کتاب مقدس صادق است، هر چند قرآن کریم در قیاس با کتاب مقدس از اعتبار و حجیت بالاتری برخوردار است و به همین دلیل بر آن مقدم می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. کاتشیسم، کتاب مرجع کلیسای کاتولیک در زمینه تعلیم مسائل اعتقادی، آیین‌های عبادی و اخلاقی به‌شمار می‌رود. تهیه پیش‌نویس این کتاب به‌عهده دوازده کاردینال و اسقف، به‌سرپرستی «یوزف راتزینگر» و به‌فرمان پاپ ژان پل دوم بوده است. این کتاب به نام «تعالیم کلیسای کاتولیک» ترجمه و توسط انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب به چاپ رسیده است.
۲. محمد احمد خلف الله، محقق و قرآن‌پژوه نواندیش معاصر مصری. وی در سال ۱۳۳۴ قمری به دنیا آمد. در دانشگاه ازهر و دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره نزد استادانی چون طه حسین، مصطفی عبدالرزاق و احمد امین تحصیل کرد. اما بیشترین تأثیر را استاد دیگرش، امین خولی بر او نهاد که خلف الله رساله دکتری خود را در موضوع بررسی ادبی قصه‌های قرآن، زیر نظر او گذراند. و در سال ۱۹۴۷ میلادی از آن دفاع کرد. به‌دنبال تأیید پایان‌نامه وی، هیئتی ویژه با تجدید نظر در این رساله آن را رد کرد و خواستار آن شد که خلف الله پایان‌نامه تازه‌ای ارائه کند. با این حال، خلف الله اصل پایان‌نامه را در سال ۱۹۵۳ میلادی با عنوان *الفن القصصی فی القرآن الکریم* به چاپ رساند که بحث‌ها و نقدهای فراوانی در پی داشت (برگرفته از سایت دانشنامه جهان اسلام).



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، نشر جهان، تهران.
۴. _____، (۱۳۹۸ق)، *التوحید (للمصدق)*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۴۰۳ق)، *شرح الاشارات والتنبيهات للطوسی (مع المحاکمات)*، شارح: محمد بن محمد، نصیرالدین طوسی و محمد بن محمد، قطب الدین رازی، دفتر نشر کتاب، قم.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، چاپ سوم.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۸. ابو زهره، محمد، (۱۳۷۹ش)، *معجزه بزرگ*، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۹. ایباری، ابراهیم، (۱۴۰۵ق)، *الموسوعة القرآنیة*، مؤسسة سجل العرب، قاهره.
۱۰. باربور، ایان، (۱۳۷۹ش)، *علم و دین*، مترجم: بهاء الدین، خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ سوم.
۱۱. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، (۱۳۷۴ش)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة البعثة، قم.
۱۲. پیترز، اف ئی، (۱۳۸۴ش)، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، مترجم: حسین، توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم.
۱۳. توماس، میشل، (۱۳۸۱ش)، *کلام مسیحی*، مترجم: حسین، توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم.
۱۴. تیسن، هنری، (بی تا)، *الاهیات مسیحی*، ترجمه: ط.، میکائیلان، انتشارات حیات ابدی، بی جا.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، *الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية*، دارالعلم للملایین، بیروت.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم.
۱۷. حقانی فضل، محمد، (۱۳۸۹ش)، *الهامی بودن پشتوانه حجیت کتاب مقدس*، مجله هفت آسمان، شماره ۴۵، صص ۱۹۱ تا ۲۱۲.
۱۸. _____، (۱۳۹۲ش)، *خطاناپذیری کتاب مقدس*، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.
۱۹. حکیم، محمدباقر، (۱۳۷۸ش)، *علوم قرآنی*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، تهران.
۲۰. خلف الله، محمد احمد، (۱۹۹۹م)، *الفن القصصی فی القرآن*، شرح و تعلیق: خلیل، عبدالکریم، الانتشار العربی، قاهره، چاپ چهارم.

۲۱. خوبی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، **البيان في تفسير القرآن**، مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي، قم.
۲۲. راتزینگر، یوزف و همکاران، (۱۳۹۳ ش)، **تعالیم کلیسای کاتولیک**، مترجمان: احمد رضا، مفتاح و همکاران، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، چاپ دوم.
۲۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم، (بی تا)، **مناهل العرفان في علوم القرآن**، دار إحياء التراث العربي، بیروت.
۲۴. زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۱۰ ق)، **البرهان في علوم القرآن**، دارالمعرفه، بیروت.
۲۵. زنجانی، ابوعبدالله، (۱۴۰۴ ق)، **تاریخ القرآن**، منظمة الإعلام الإسلامي، تهران.
۲۶. سعیدی روشن، محمد باقر، (۱۳۹۸ ش)، **علوم قرآنی (۱)**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۲۷. سهروردی، یحیی بن حبش، (۱۳۷۲ ش)، **مجموعه مصنفات شیخ اشراق**، مصحح: هانری، کربن و همکاران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران.
۲۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۳۸۰ ش)، **ترجمه الإتقان في علوم القرآن**، امیر کبیر، تهران.
۲۹. _____، (۱۴۰۴ ق)، **الدر المنثور في التفسير بالمأثور**، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله عليه، قم.
۳۰. شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم، (۱۳۸۲ ش)، **الفوز الكبير في أصول التفسير**، نشر صدیقی، زاهدان.
۳۱. صالح، صبحی، (۱۳۷۲ ش)، **مباحث في علوم القرآن**، الشریف الرضی، قم.
۳۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۲ ش)، **منطق نوین مشتمل بر اللمعات المشرقیه في الفنون المنطقیه**، مترجم و شارح: عبدالمحسن، مشکوه‌الدینی، آگاه، تهران.
۳۳. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق)، **بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام**، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ دوم.
۳۴. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴ ش)، **ترجمه تفسیر المیزان**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم.
۳۵. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، **الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)**، نشر مرتضی، مشهد.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، **ترجمه تفسیر مجمع البیان**، فراهانی، تهران.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، **التبیین في تفسير القرآن**، دار إحياء التراث العربي، بیروت.
۳۸. عسکری، مرتضی، (۱۴۱۶ ق)، **القرآن الکریم و روایات المدرستین**، المجمع العلمي الاسلامی، بی جا.
۳۹. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه، (۱۳۸۰ ش)، **نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی**، بنیاد قرآن، تهران.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق)، **تفسیر العیاشی**، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.
۴۱. غردیه، لويس و فنوا تي، جرج، (۱۹۶۷ م)، **فلسفه الفكر الديني بين الاسلام والمسيحيه**، دارالعلم للملایین، بیروت.

۴۲. غفار، عبدالرسول، (۱۴۱۵ق)، *المیسر فی علوم القرآن*، دار و مکتبه الرسول الاکرم ﷺ، بیروت.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، نشر هجرت، قم، چاپ دوم.
۴۴. فرحات، احمد حسن، (۱۴۲۱ق)، *فی علوم القرآن*، دار عمار، عمان.
۴۵. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، *القاموس المحيط*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۴۶. قلی‌زاده، احمد، (۱۳۷۹ش)، *واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه*، بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نورالاصفیاء، تهران.
۴۷. کمالی دزفولی، علی، (۱۳۷۰ش)، *شناخت قرآن*، اسوه، تهران.
۴۸. کیویت، دان، (۱۳۷۶ش)، *دریای ایمان*، ترجمه: حسن، کامشاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۴۹. گروه نویسندگان، (۱۳۹۸ش)، *درسنامه مسیحیت*، انتشارات موسسه خاتم النبیین ﷺ، قم.
۵۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم.
۵۱. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ نامه اصول فقه*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
۵۲. مظفر، محمد رضا، (۱۳۶۶ش)، *المنطق*، اسماعیلیان، قم.
۵۳. —، (۱۳۷۵ش)، *أصول الفقه*، اسماعیلیان، قم، چاپ پنجم.
۵۴. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۱ش)، *علوم قرآنی*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم.
۵۵. —، (۱۳۸۸ش)، *التمهید فی علوم القرآن*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم.
۵۶. —، (۱۴۲۳ق)، *شبهات و ردود حول القرآن الکریم*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ ۱۰.
۵۸. مک‌گراث، آلیستر، (۱۳۸۴ش)، *درسنامه الهیات مسیحی*، مترجم: بهروز، حدادی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم.
۵۹. موسوی بجنوردی، محمد، (بی تا)، *مقالات اصولی*، بی تا، تهران.
۶۰. مهدوی‌راد، محمدعلی و میرزایی، محمد، (۱۳۹۱ش)، *نقدی بر آرای خلف الله در قصه‌های قرآن بر مبنای تفاسیر عصری*، آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۶، صص ۷۳ تا ۹۴.
۶۱. میرمحمدی زرنندی، ابوالفضل، (۱۴۲۰ق)، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۶۲. نجارزادگان، فتح‌الله، (۱۳۹۹ش)، *علوم قرآنی ۲*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.